



Semantic Space of Some Light Verbs in Mazandarani Language based on Cognitive Approach

Ibrahim Rezapour^{1*}, Seyed Hadi Hosseini²

1. Assistant Professor of Linguistics, Faculty of Literature and Foreign Languages, Semnan University, Semnan, Iran.
2. M. A. candidate in General linguistics, Semnan University, Semnan, Iran.

Abstract:

Mazandarani is one of the Iranian languages which has many speakers in Mazandaran province in north of Iran. In the present research, one of challengeable topic ,namely, light verbs in Mazandarani language is investigated based on cognitive linguistics. Some linguists claimed that light verbs have no any core meanings, but they have metaphorical meanings. The aim of this research was to describe complex verbs in Mazandarani by cognitive approach. The main questions of research are: are there any light verbs in Mazandarani language? Can light verbs in Mazandarani contribute to develop semantic meanings? Do the light verbs produce new meaning when compounding with noun, adjective and adverb? Is compounding of preverb and light verbs a productive process? The hypotheses of research are: There are many light verbs in Mazandarani language. The light verbs in Mazandarani can develop semantic meaning and the semantic space of light verbs indicates that they can produce new meaning. Also, compounding of preverb and light verb is a productive process. The data of research are collected based on speech of some Mazandarani speakers and Tabari dictionary. Semantic space of complex verb, verb type, proverb and type of the light verb surveyed. Differences in shaping of the complex verb in Mazandarani in contrast with Farsi were compared from different aspects such as: morphology, syntax, lexical and semantic. In addition the features for identification of these verbs are used. As a result we can say that complex verbs in Mazandarani according to the cognitive approach is productive process which applies the physical aspects and social experiences of life and by applying light verbs in combination, the meaning of compound verbs figuratively expands to easily create new concepts and transferring takes place, applying these new verbs cause productivity. The compound verbs

Received: 06/03/2018

Accepted: 25/07/2018

* Corresponding Author's E-mail:
abraham_rezapour@semnan.ac.ir



Language Related Research

E-ISSN: 2383-0816

Vol.11, No.3 (Tome 57),

July, August & September 2020



compositionally have a compositional meaning. In discussion of semantic space, a certain verb on the base of type of proverb it takes can be situated in a semantic space and creates different semantic space. There are also semantic islands. These islands are branches of light verbs construction that suggest the same concept of the verb on the base of same light verb and special verb are associated.

Key words: Combination; Light verb; Semantic space; Morphology ; Syntax.



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۱، ش ۳ (پیاپی ۵۷)، مرداد و شهریور ۱۳۹۹، صص ۶۵-۹۴

فضای معنایی برخی افعال سبک زبان مازندرانی از منظر رویکرد شناختی

ابراهیم رضاپور^{۱*}، سید هادی حسینی^۲

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۳

دریافت: ۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

این پژوهش با هدف توصیف افعال مرکب مازندرانی از منظر شناختی صورت گرفت. فضای معنایی افعال مرکب، نوع همکرد، پیش‌فعل و نوع فعل سبک بررسی و تفاوت‌های شکل‌گیری این افعال در زبان مازندرانی با زبان فارسی از جنبه‌های مختلف صرفی، نحوی، واژگانی و معنایی تا حد امکان مقایسه شد. در ضمن، نشانه‌هایی برای تشخیص این افعال ارائه شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افعال مرکب مازندرانی با توجه به نگاه‌شناختی فرایندی زیاست که از ابعاد فیزیکی و تجربیات اجتماعی زندگی بهره می‌گیرد و به کمک افعال سبک در ترکیب، بسط استعاری داده می‌شود و صرف این افعال جدید سبب زایایی^۱ می‌شود. افعال مرکب ترکیبی، از نظر ترکیب‌پذیری نیز دارای معنای غیرترکیبی هستند. در بحث فضای معنایی، یک فعل معین می‌تواند با توجه به نوع پیش‌فعلی که می‌گیرد در یک فضای معنایی قرار گیرد و فضای معنایی متفاوتی نسبت به پیش‌فعل‌های متفاوت ایجاد کند. همچنین، در این زبان جزایر معنایی نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، در زبان مازندرانی هر پیش‌فعل گسترده‌ای دارد که معانی ویژه‌ای از فعل سبک^۲ را فعال می‌کند و سپس این افعال به‌نوبه خود به آن پیش‌فعل وصل می‌شوند تا معنی متفاوتی با معنی اصلی و مرکزی خود خلق می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: ترکیب، فعل سبک، فضای معنایی، صرفی، نحوی.

۱. مقدمه

زبان‌های ایرانی از شاخه هندواروپایی منشعب می‌شوند و به دو دسته شرقی و غربی و دسته غربی نیز خود به دو دسته شمال غربی و جنوب غربی تقسیم می‌شوند. زبان‌ها یا گویش‌های اطراف خزر یا خزری در دسته زبان‌های شمال غربی به‌شمار می‌آیند و با گویش کردی، سیوندی، بلوچی، تاتی و گویش مرکزی ایران ویژگی مشترک دارند. گویش‌های کناره خزر شامل طبری یا مازندرانی، گیلکی و گونه‌هایی از تالشی است. زبان مازندرانی یا طبری در حاشیه بین کوه‌های البرز و کناره جنوب شرقی دریای خزر سخن‌گو دارد. این منطقه از شرق به گرگان از غرب به گیلان از جنوب به سمنان و تهران و از شمال به دریای خزر محدود است. از نظر لهجه از شرق به غرب تفاوت‌هایی وجود دارد. به‌طور کلی، بین لهجه غرب مازندران شهرهایی چون تنکابن، رامسر، چالوس با لهجه شرق مازندران مانند ساری و بابل تفاوت‌هایی در سطح آوایی، واژگانی و دستوری مشهود است (نصر اشرفی، ۱۳۸۱).

در مباحث زبان‌شناسی جنبه‌های مختلف زبان همچون آواشناسی، واج‌شناسی، صرف، نحو و معناشناسی اهمیت دارند و تحقیق و مطالعه می‌شوند. لذا، ما با توصیف افعال سبک در زبان مازندرانی در این پژوهش، آن هم با روش علمی سعی‌مان بر این است که خوانندگان و علاقه‌مندان به مطالعه زبان مازندرانی با چگونگی شکل‌گیری فعل مرکب در زبان مازندرانی و همچنین، فضای معنایی این افعال آشنا شوند. در این پژوهش، به نحوه ترکیب فعل سبک با پیش-فعل‌های مختلف، از جمله اسم، صفت و قید پرداخته می‌شود و حاصل این ترکیب، یعنی ترکیب فعل با جزء فعلی بررسی و به آن توجه شد.

پرسشی که می‌شود در این پژوهش مطرح کرد این است:

۱. آیا در زبان مازندرانی فعل سبک وجود دارد؟
 ۲. آیا افعال سبک در زبان مازندرانی سبب توسعه معنایی می‌شوند؟
 ۳. آیا این افعال سبک با پیش‌فعل‌هایی چون اسم، صفت و قید ترکیب می‌شوند تا معنی جدیدی خلق کنند؟
 - ۴- آیا ترکیب پیش‌فعل با فعل فرایندی زیاباست و حاصل این ترکیب از نظر معنایی ترکیب‌پذیرند؟
- فرضیه نگارندگان این است که فعل‌های سبک در زبان مازندرانی وجود دارند و از نظر

ترکیب‌پذیری معنای غیرترکیبی دارند و با هم‌نشینی پیش‌فعل و هم‌کرد سبب‌زایی در واژگان می‌شوند. همچنین، بخش فعلی با ویژگی‌های واژگانی که برگرفته از فعل سنگین هست، در ترکیب با پیش‌فعل معنای جدیدی می‌سازد و سبب بسط استعاری می‌شود.

با توجه به نتایجی که از داده‌های این پژوهش به‌دست آمده است، نشان داده شد که در زبان مازندرانی افعال سبک وجود دارد و این افعال با پیش‌فعل خود، از جمله صفت، اسم، قید ترکیب می‌شوند و با عاریت گرفتن همتای فعل سنگین خود سبب گسترش معنایی می‌شود و درنهایت، با این ترکیب فرایندی زایا را در برداشته و از نظر معنایی ترکیب‌ناپذیرند.

۲. پیشینه تحقیق

فامیلی (۲۰۰۶) در رساله دکتری خود به بررسی فضای معنایی افعال سبک در زبان فارسی پرداخته است. به باور او فعل سبک از لحاظ معنایی ضعیف است و با یک سازه غیرفعلی ترکیب می‌شود تا مفهوم فعلی کاملی را به‌وجود بیاورد. حاصل این ترکیب فعلی نه معنی ترکیبی دارد نه معنی کاملاً اصطلاحی.

شریفی (۱۳۹۰) در مقاله خود زیر عنوان «بررسی معنایی افعال مرکب اندام‌بنیاد از دیدگاه شناختی»، به بررسی آن دسته از افعالی که با استفاده از نام اعضای بدن ساخته شده‌اند، پرداخت و سپس در چارچوب طرح‌واره‌های تصویری برخی از افعال مرکب اندام‌بنیاد زبان فارسی را بررسی کرد و با نتایج تحقیق نشان داد که طرح‌واره‌های تصویری بسیاری در فارسی امروز با نام اندام‌های بدن ساخته می‌شود که برخی از آن‌ها در قالب فعل مرکب متجلی می‌شوند. عموزاده و بهرامی (۱۳۹۰) به‌نقل از یسپرسن^۲ (۱۹۶۵)، گریم‌شاول^۱ و مستر^۳ (۱۹۸۸) و کتل^۴ (۱۹۸۴) اشاره کردند که افعال سبک فاقد توان معنایی کافی برای عهده گرفتن نقش محمول مستقل هستند.

در این پژوهش، آن‌ها محتوای معنایی افعال سبک را ناقص می‌دانند. چنین ادعایی سبب نادیده گرفتن رابطه معنایی فعل سبک و فعل اصلی متناظر با آن شده است و افعال سبک به‌صورت کاملاً نظام‌مند در حفظ ویژگی‌های طرح‌واره نیروی محرکه، با فعل اصلی متناظر مرتبط هستند؛ اما حوزه مفهومی که در آن ساخت نیروی محرکه اعمال می‌شود، از حوزه فیزیکی به حوزه

روان‌شناختی منتقل می‌شود.

کریمی‌دوستان و روحی‌بیگی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی چندمعنایی فعل سبک (زدن) از دیدگاه شناختی» می‌خواهند نشان دهند که چندمعنایی فعل (زدن) بر مبنای بررسی فعل سنگین متناظر آن، پدیده‌ای نظام‌مند بوده و سازوکارهای شناختی نظیر مقوله‌بندی، استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در شکل‌گیری معانی مختلف عناصر زبانی در قالب یک مقوله شعاعی نقش اساسی دارند. آن‌ها با یافته‌های ضمنی در مقاله خود نشان دادند که هر یک از این افعال سبک با ترکیب به پیش‌فعل معنای جدیدی را به‌وجود می‌آورند که با فعل سنگین متناظر خود متفاوت است.

کرد زعفرانلو کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۰) بر اساس نظریه مفهومی، مقاله‌ای با عنوان «مجهول‌سازی افعال مرکب فارسی از منظر معنایی و نظریه معناشناسی مفهومی» نگاشته و به بررسی داده‌های زبان فارسی پرداخته‌اند تا درستی یا نادرستی ادعای این نظریه را در تبیین داده‌های فارسی تعیین کند.

شریف و عموزاده (۱۳۹۶) به قرار دادن اجزای افعال مرکب در بافت‌های زبانی پرداختند. به اعتقاد آن‌ها عامل تشکیل فعل مرکب بافت زبانی است و افعال مرکب را می‌توان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم حاصل فرایند انضمام دانست که در اینجا مفهوم موسعی از انضمام مدنظر است. بر این اساس و با استفاده از برخی از مفاهیم دستورشناختی می‌توان گفت که فعل مرکب از بند کامل اولیه نشئت می‌گیرد که در فرایند عبور از مسیر ترکیب عنصر فعلی و یک عنصر غیر-فعلی از آن انتخاب و در این مسیر ترکیب گاهی موضوع فعل حذف می‌شود و متمم یا وابسته - آنکه برجستگی شناختی بیشتری دارد - به فعل منضم می‌شود.

گلدبرگ^۷ (1995) در یکی از مقالات خود فعل‌های مرکب فارسی را متشکل از یک سازه غیرفعلی و یک فعل سبک معرفی می‌کند و تأکید می‌کند، این افعال رفتار دوگانه از خود نشان می‌دهند. همین امر تصمیم‌گیری برای تلقی آن‌ها به‌منزله یک واژه یا دو واژه را دشوار می‌کند که با توجه به آن، فعل مرکب فارسی را هم هنگام یک فعل تک‌واژه‌ای و دوواژه‌ای در نظر می‌گیرند. وی عامل مؤثر در این تشخیص را محدودیت‌های طبیعی رده‌شناسی می‌داند و فعل مرکب را به‌صورت پیش‌فرض، یک فعل ساده در واژگان ذهنی گویشوران در نظر می‌گیرد.

۳. چارچوب نظری

در چارچوب نظری این پژوهش با در نظر گرفتن رویکرد دستورساختی سعی شده است از مفاهیم و اصول نظری زبان‌شناسانی که در این حیطه نگاشته‌اند استفاده شود. افعال مرکب فارسی از دیدگاه گلدبرگ (1996)، افعالی هستند که در بعضی جاها به‌منزله یک کلمه و در جاهایی هم بیشتر از یک کلمه عمل می‌کند. زبان فارسی دارای افعال مرکبی است که شامل یک عنصر غیرفعلی یا میزبان که بعد از آن فعل سبک می‌آید. این افعال در کانون تمرکز ما هستند؛ زیرا آن‌ها ویژگی‌های واژگانی و عبارتی را نشان می‌دهند. در زبان فارسی، گلدبرگ سعی می‌کند واژه فعل مرکب را ارجاع بدهد. به مواردی که در آن میزبان در شکل تنهای خود، بدون علامت جمع یا نشانه به‌کار رفته است، در جملات زمان‌دار با افعال ساده، تأکید روی فعل اصلی قرار می‌گیرد؛ اما در جملات زمان‌دار با ساخت محمول مرکب تأکید روی میزبان واقع می‌شود.

۱. علی مرد را زد (فعل بسیط).

۲. علی با بابک حرف زد (فعل مرکب).

از نظر معناشناسی، محمول مرکب بیشتر غیرترکیبی است. در آن دقیقاً از طریق اجزای عناصر محمول مرکب آن قابل پیش‌بینی نیست. برای مثال، گوش دادن از نظر لغوی به معنای «دادن گوش» و یا دوست داشتن به معنای «داشتن دوست» نیست و معنای آن‌ها طبیعتاً بر روی میزبان و یا فعل سبک به‌شکل جداگانه قابل‌توزیع نیست؛ بلکه به‌شکل ترکیبی هست. این واقعیت روشن می‌کند که بسیاری از ساخت‌های محمول مرکب می‌باید احتمالاً در واژگان فهرست شود یا اگر استنباط این باشد که واژگان عمدتاً ساخت‌ها و عناصر واژگانی را شامل شود، آن‌ها باید در «ساخت» فهرست شود.

بیشتر محمول مرکب از لحاظ موضوعاتش که ویژگی‌هایی از فعل ساده مربوط خود را می‌گیرد متفاوت است. برای مثال، (گرفتن) ممکن است با یک موضوع زیربنایی روشن همراه باشد.

مثال: کتاب را از من گرفت.

زمانی که به‌منزله یک فعل سبک در محمول مرکب (عروسی گرفتن)، برپا کردن عروسی، واژه نافع (برای) در عبارت ظاهر می‌شود:

مثال: برای او عروسی گرفتم.

در این موارد، محمول مرکب به‌طور کل نمی‌تواند با یک موضوع منشأ (از) بیابد.

مثال: از او عروسی گرفتم.

یکی از شواهدی مهمی که بیشتر در موقعیت واژگانی بیان می‌شود، توانایی تشکیل اسم‌سازی است، از آنجا که اسم‌سازی به‌منزله فرایند واژگانی در نظر گرفته می‌شود و همچنان که گفته شد، تنها می‌تواند با فرایند واژگانی به‌وجود آید. محمول‌های مرکب فارسی از طریق ملحق شدن به ستاک زمان حال فعل سبک به میزبان تشکیل می‌شوند.

مثال: اسم بازیکن از فعل مرکب بازی کردن گرفته می‌شود.

در جملات بدون محمول‌های مرکب، قید مستقیماً می‌تواند قبل از فعل بیاید.

مثال: مشقم را تند نوشتم.

اگرچه در حالت محمول‌های مرکب، قید میزبان را از فعل سبک جدا نمی‌کند. در عوض، قید قبل از کل محمول مرکب می‌آید.

مثال: تند رانندگی کردم.

در ساخت‌های محمول‌های مرکب متعددی، مفعول مستقیم نمی‌تواند بین میزبان و فعل سبک در بافت‌های خنثی بیاید.

مثال: ستایش علی را کردم.

به‌جای آن، فعل انجام دادن قبل از کل محمول مرکب واقع می‌شود.

مثال: علی را ستایش کردم.

۳-۱. افعال سبک و چندمعنایی

براگمن^۱ (2001) در مقاله خود با عنوان «افعال سبک و چندمعنایی»، به بررسی چندمعنایی ساختار افعال اصلی و همتای سبک آن پرداخت. به باور براگمن افعال سبک به‌شکل نظام‌مند با همتای سنگین خود در حفظ ویژگی نیروی محرکه افعال سنگین در ارتباط هستند؛ اما محدوده مفهومی آن ساختار نیروی محرکه از محدوده فیزیکی به روانی تغییر پیدا می‌کند. از نگاه براگمن در ساخت افعال سبک یک فعل در هسته قرار گرفته که در اساس، دارای گستره توزیعی بسیاری هست که چندمعنا دارد و ممکن است همراه با انواع الگوهای موضوع انتخابی باشد و فعل سبک را این‌گونه تعریف می‌کند: فعل سبک یک گروه فعلی درونی و از نظر نحوی - واژی^۲ اسم است و موضوع محمولی است که معمولاً به یک فعالیت و گاهی اوقات به یک حالت اختصاص دارد.

چندمعنایی بخشی از موضوع مورد علاقه نظری روبه‌رشد است که به‌منزله‌الگوی از توانش زبانی درآمده است که با ابهامات و معنای واژگانی عامی با دقت بیشتری به آن توجه شد. تمایز میان چندمعنایی و تک‌معنایی بر اساس مفهومی است که به معنای منسوخ‌شده آن مربوط می‌شود (Cruse, 1986; Pustejovsky, 1995). تصور بر این است که چیزی به‌منزله بافت، با معنای واژگانی مستقل وجود دارد و به‌صورت مجزا، ولی با مفهومی مرتبط از واژه چندمعنایی و مستقل از توزیع بخش‌هایی در ساخت به‌کار می‌رود. به اعتقاد فامیلی (2006)، فعل سبک به لحاظ معنایی ضعیف است و با یک سازه غیرفعلی ترکیب می‌شود تا مفهوم فعل کاملی را به‌وجود بیاورد. حاصل این ترکیب، فعلی است که نه معنی فعل ترکیبی دارد و نه معنی کاملاً اصطلاحی. او ابتدا تمرکزش بر هر یک از افعال سبک است. به‌راحتی گروه‌های ساختی افعال سبک را جدا می‌کند که به آن‌ها جزایر می‌گویند. این جزایر خوشه‌هایی از ساخت‌های افعال سبک هستند که مفاهیم فعلی مشابهی را بیان می‌کنند که بر اساس فعل سبک یکسان و نوع ویژه‌ای از پیش‌فعلی که دارند، هست. مثال برای جزایر:

(گچ گرفتن) قرار گرفتن در گچ

(طلا گرفتن) پوشش طلا

(سیمان گرفتن) با سیمان پوشاندن

دکتر دست بچه را گچ گرفت.

۴. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات یا داده‌ها روش کتابخانه‌ای و میدانی شامل ضبط گفتار، نوشتار و مصاحبه بوده است و همچنین، شم زبانی نگارندگان - که خود گویشور بومی‌زبان بوده‌اند، به‌کار گرفته شد.

۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱. افعال سبک و چندمعنایی در زبان مازندرانی

در بسیاری از تحقیقات نشان داده شد که افعال سبکی - که در ساخت افعال مرکب هسته واقع

می‌شوند - سهمی در نقش معنایی ندارند و یا به عبارتی محتوای واژگانی ندارند. در بررسی به‌عمل‌آمده در گویش مازندرانی افعال سبکی که با محمول مرکب همراه می‌شوند به‌شکل نظام‌مند با همتای سنگین خود در حفظ ویژگی‌های نیروی محرکه که در افعال سنگین وجود دارد، در تناظر با افعال سبک ارتباط معنایی دارند؛ ولی مفهوم و معنای آن از ساخت فیزیکی و تجربی به ساخت روانی و انتزاعی تغییر پیدا کرده است (Brugman, 2001). بر این اساس، این افعال از تجربیات فیزیکی و اجتماعی شش‌گرفته و به تبعیت از آن مفهوم‌های جدید و انتزاعی می‌سازد.

۱. علی دور باغ را حصار کرد.
Ali bəqə dur re pæčim hækerde.

در مثال شماره ۱ (pæčim hækerde) (حصار کرد)، فعل «hækerde» (کرد) به معنی انجام کاری فیزیکی و بدنی به‌کار رفته است؛ یعنی در این مثال علی یک فعالیت فیزیکی را به اتمام رساند.

۲. رضا دوید و عرق کرد.
Reza do hæyteh o æreq hækerde.

ولی در مثال شماره ۲ فعل مرکب «æreq hækerde» (عرق کرد) در معنای سبکش به‌کار رفته است؛ یعنی «کرد» در اینجا اشاره به عمل فیزیکی و تجربی ندارد و خارج از اراده شخص در اثر فعالیت فیزیکی رخ می‌دهد و خود فعل اشاره‌ای به عمل فیزیکی ندارد؛ بلکه برای مفهوم‌سازی و درک معنا به‌کار رفته است. از طرفی نشان‌دهنده ارتباط معنایی با همتای سنگین خود در مثال یک بوده است و تهی از معنی نیست. به علاوه، حرکت یا نیروی محرکه را - که در اثر فعالیت جسمی سبب عرق ریختن شخص می‌شود - نشان می‌دهد. با ترکیب اسم و فعل هم‌کرد مدخل مستقلی را تشکیل می‌دهند و جزء فعلی نیز در صرف فعل از نظر زمان و شخص نقش ایفا می‌کند.

درضمن، ساخت موضوعی گروه در ساخت افعال سبک مثل «æreq hækerdən» (عرق کردن)، به‌وسیله ساخت موضوعی محمول اسمی در کنار گروه فعلی تعیین می‌شود و فعل سبک «hækerde» (کرد) به‌تنهایی سهمی در ساخت معنایی ندارد. ویژگی نوع عمل در اینجا از طریق فعل سبک آشکار می‌شود که نوع عمل غایی هست.

۳. می‌خوای کوه بری غذایت را همراه بیار.
xāni ku bori še qeza re hæmra biyar.

۴. بچہات را خوب بار بیار. Je vaçe rexar bar biyar.

در جمله شماره ۳ ترکیب فعل مرکب «hæmra biyar» جزء فعل از نوع سنگین هست و اشاره به عمل نیروی محرکه یا عمل غذا دارد و جزء اسمی غذا محمول فعل (biyār) که از مصدر «biyardæn» (آوردن) در زبان مازندرانی هست؛ ولی در ترکیب جمله شماره ۴ فعل «barbiyar» (بار بیار) اشاره‌ای به عمل فیزیکی یا حرکت نداشته است؛ بلکه به منزله همتای سبک به کار رفته و مانند فعل «hækerdæn» (کردن) در مثال قبلی به تنهایی نقشی در ساخت معنایی ندارد و ویژگی نوع عمل در اینجا را نشان می‌دهد و جزء اسمی و فعلی باهم معنی واحدی را تشکیل می‌دهند. ساخت موضوعی فعل «biyar» (بیار) با ساخت موضوعی اسمی در کنار گروه فعلی تعیین می‌شود و این ترکیب اسم و فعل «bārbiyar» با محرکه کشش و نیرو از تعامل پدر و مادر در تربیت فرزند در رفتار اجتماعی و اعمال قدرت ساخته شد.

در جدول شماره ۱ افعال سبک همراه با پیش فعل به شکل شبه ترکیبی صورت‌های دینامیک^{۱۰} (پویا) از ساخت افعال مرکب را به وجود می‌آورند.

جدول ۱: نمونه‌هایی از فعل سبک هدائن در زبان مازندرانی

Table 1: Instances of light verb “hedaan” (to give) in Mazandarani language

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
گوش دادن	گوش هدائن	۱
صدا زدن	ونگ هدائن	۲

با چنین ترکیبی، استفاده از یک فعل سبک در سطوح مختلف افعال مرکب سبب گسترش معنایی، در معنی اصلی نظام فعلی می‌شود. این شکل از ساخت سبب زایایی نظام فعلی می‌شود. بنابراین، زبان مازندرانی هم در میان زبان‌ها با داشتن چنین ویژگی قابلیت واژه‌سازی دارد و دارای گستره توزیعی بسیاری می‌شود.

۵-۲. فعل سبک در زبان مازندرانی

همان‌طوری که فامیلی در تحلیل خود از افعال مرکب در زبان فارسی آورده است، در مازندرانی

نیز افعال مرکبی وجود دارند که با فعل سبک به کار می‌روند و این افعال سبک از لحاظ معنایی ضعیف بوده و به یک سازه غیر فعلی به منزله پیش فعل ترکیب می‌شوند تا مفهوم کاملی را به وجود آورند و حاصل نه ترکیبی (ترکیب‌پذیر) و نه کاملاً اصطلاحی هستند. براگمن (2001) فعل سبک را یک گروه فعلی درونی می‌داند که از نظر نحوی - واژه اسم هستند و موضوع محمولی است که معمولاً به یک فعالیت و گاهی اوقات به یک حالت اختصاص دارد.

جدول ۲: نمونه‌هایی از افعال سبک مازندرانی که می‌توانند با اسم، صفت و یا قید همراه شوند.

Table 2: Instances of Mazandarani light verbs which follow noun, adjective, and /or adverb

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
زدن	بزوئن	۱
خوردن	بخردن	۲
کشیدن	بکشیین	۳
گرفتن	بیتن	۴
بردن	بوردن	۵
دادن	هدائن	۶

در مثال شماره ۵، افعال اگر در معنی اصلی و مرکزی به کار روند، فعل سنگین و معنی مرکزی هست. مثال:

۵. علی حسن را کتک زد. Ali hassan rə ketek bæzo.

در مثال شماره ۶ فعل «bæzo» (زد)، در معنی غیر اصلی و حاشیه‌ای به کار رفته و هسته معنایی و اصلی را پیش فعل تعیین می‌کند و فعل سبک در اینجا به پیش فعل کمک می‌کند تا معنی کاملی را به وجود آورد. مثال:

۶. علی به حسن خندید. Ali hassan re xænde bæzo.

همچنین، گروه‌های ساختی افعال مرکبی که در زبان فارسی وجود دارد و به آن‌ها جزایر گفته می‌شود. این جزایر در زبان مازندرانی نیز یافت می‌شود. جزایر خوشه‌های از ساخت افعال سبک هستند که مفاهیم فعلی مشابهی را بیان می‌کنند که بر

اساس فعل سبک یکسان و نوع ویژه‌ای از پیش‌فعل همراه هستند. به عبارت دیگر، هر پیش‌فعل گستره‌ای دارد که معانی ویژه‌ای را از فعل سبک فعال می‌کند و سپس این افعال به‌نوبه خود به آن پیش‌فعل وصل می‌شوند تا معنی متفاوتی با معنی اصلی و مرکزی خود خلق می‌کنند.

جدول ۳: نمونه‌هایی برای اعمال نیرو و حرکت دادن (متعدی)

Table 3: Instances of light verbs for applying force and movement

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
تاب دادن	تو هدائن	۱
تراش دادن	تراش هدائن	۲
تکان دادن	تکون هدائن	۳
پاره کردن	جر هدائن	۴
فشار دادن	جغ هدائن	۵

تمامی ساخت‌های ذکرشده که فعل‌های یکسانی دارند و بیان‌کننده مفاهیم فعلی مشترکی هستند که فعل «هدائن» (دادن) در معنای سبک خود به‌کار رفته است، در ترکیب با پیش‌فعل خود به معنی وارد کردن نیرو، تأثیر و حرکت را می‌رساند و ساختی متعدی را با پیش‌فعل خود شکل می‌دهد و نیازمند مفعول و فاعلی است که نقش عامل را دارد.

جدول ۴: نمونه‌های برای انتقال اعمال حسی (لازم)

Table 4: Instances of transmission of sensory actions

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
بو دادن	بو هدائن	۱
درد دادن	درد هدائن	۲
نور دادن	سو هدائن	۳
رنگ دادن	رنگ هدائن	۴

در مثال ذکرشده ترکیب فعل «هدائن» (دادن) با پیش‌فعل خود فعل مرکب لازم را تشکیل می‌دهد.

۳-۵. افعال مرکب با فعل سبک از نظر ترکیب‌پذیری

ترکیب‌پذیری در ساخت افعال سبک در ارتباط است. این ساخت متشکل از دو جزء یا بیشتر هست که باهم ترکیب می‌شوند و بیشتر معنای غیرترکیبی را به‌وجود می‌آورد. با در نظر گرفتن ساخت افعال سبک در ترکیب‌پذیری زبان مازندرانی در این ساخت‌ها پیش‌فعل با فعل سبک همراه می‌شوند و معنی غیرترکیبی دارند.

جدول ۵: نمونه‌هایی از فعل «بیتن» (گرفتن)

Table 5: Instances of verb “bayitan” (to take)

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
درد گرفتن	درد بیتن	۱
رها کردن	دَس بیتن	۲

۴-۵. جزایر

جزایر خوشه‌هایی از ساخت افعال سبک هستند که مفهوم فعلی مشابهی را بیان می‌کنند و بر اساس فعل سبک یکسان و نوع ویژه‌ای از پیش‌فعلی که دارند شکل می‌گیرند. در بررسی به‌عمل‌آمده از داده‌های زبان مازندرانی در این زبان هر پیش‌فعل ویژگی‌هایی دارد که معنی مشخصی از فعل سبک را فعال می‌کند و فعل سبک مشخصه‌های مرتبط را - که از آن پیش‌فعل به ارث می‌برد - گسترش می‌دهد. یک معنی متفاوت از معنی هسته‌ای (اصلی) با اجزای خود خلق می‌کند و جزیره معنای با فاصله گرفتن از معنی اصلی در حاشیه قرار می‌گیرد.

جدول ۶: نمونه‌هایی از جزایر معنایی فعل «بکشیدن» (کشیدن) که معنی اصلی و مرکزی آن با وارد کردن نیرو چیزی را به‌طرف خود کشیدن هست:

Table 6: Instances of semantic islands for verb “Bakeshiyan” (To pull) of which core meaning of this verb is to apply force for pulling something toward oneself

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
درد کشیدن	درد بکشیدن	۱
سردی کشیدن	سردی بکشیدن	۲
سختی کشیدن	سختی بکشیدن	۳

فعل «بکشین» به‌منزلهٔ یک فعل سبک در مثال‌های ذکرشده همراه با یک پیش‌فعل که یک شرایط روحی و جسمی را نشان می‌دهد. ساخت فعل سبک در این ترکیب به معنی تحمل آن شرایط و وضعیت جسمی و روحی است. در این ساختار افعال سبک با پیش‌فعل‌های مشابهی که دارند، کمک می‌کنند تا مفهوم فعلی مشابهی را در ترکیب بیان کنند.

۵-۵. فضای معنایی افعال سبک در مازندرانی

فضای معنایی افعال سبک شاخه‌هایی از معنی اصلی و مرکزی فعل اصلی هستند؛ یعنی بین معنی اصلی و معنی حاشیه‌ای شاخه‌هایی وجود دارد؛ در نتیجه این تقسیم‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌ها جزایر به‌شکل تقریبی و نزدیک به هم تقسیمات معنایی گسترده‌ای وجود دارد. به عبارت دیگر، جزایری که از نظر معنایی مرتبط هستند، در یک فضای معنایی قرار می‌گیرند.

جدول ۷: نمونه‌های از فضای معنایی فعل «هکردن» کردن:

هکردن: ایجاد صدا، صحبت کردن و صدازدن

Table 7: Instances of semantic space of verb “ hakerdan” (to do): making a noise, talking, calling

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
جیغ کشیدن	جریکه هکردن	۱
پرحرفی کردن	سروش هکردن	۲
صدا زدن	ونگ هکردن	۳

افعال مرکب ذکرشده به‌صورت لازم یا متعدی بیان می‌شوند. گاهی با مفعول مستقیم و یا بدون مفعول و همچنین، با قید می‌آید.

Ali hassan rə væng hækərde.

۷. علی حسن را صدا زد.

Ali xæle serof hækərde.

۸. علی خیلی پرحرفی کرد.

جدول شماره ۸ افعالی که آورده می‌شود، برای نشان دادن حالت جسمی در ترکیب‌ها بر اساس بررسی به‌عمل‌آمده از داده‌های موجود تنها به‌صورت لازم به‌کار می‌روند.

جدول ۸: افعال مرکب همراه با فعل سبک هکردن بازنمایی‌کننده حالت جسمی

Table 8: compound verbs accompanying light verb “hakerdan” (to do) representing physical condition

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
عرق کردن	عرق هکردن	۱
تب کردن	تو هکردن	۲
ورم کردن	غر هکردن	۳

جدول ۹: فعل «هکردن» برای نشان دادن تأثیر و تغییر روی و ذهنی و سبب

Table 9: Verb “hakerdan” (to do) for representing effect and change of spiritual < mental condition and also causation

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
باور کردن	بور هکردن	۱
ترسیدن	ترس هکردن	۲
رسوا کردن	رسوا هکردن	۳

در نمونه‌های ذکرشده، افعال در ترکیب با پیش‌فعل خود - که نمایانگر تغییر شرایط روحی و ذهنی هستند - می‌توانند به‌صورت لازم و یا متعدی به‌کار روند.

به مثال‌هایی که آورده می‌شود، توجه کنید:

æslæn næfene vene hærf re bovver
hækærdøn.

۹. اصلاً نمی‌شود حرفش را باور کرد.

Ali tærs hækærde dige tænhæ jængel
næfjone.

۱۰. علی ترسید، دیگر تنها جنگل نمی‌ره.

فعل «بکردن» (کردن) از مشتقات فعل «هکردن» (کردن) هست. در بررسی به‌عمل‌آمده از منابع و داده‌ها، به‌نظر می‌رسد که بیشتر در جملات با مفهوم غیرارادی و مجهول به‌کار می‌رود و نشان‌دهنده تغییر حالت و شرایط است.

جدول ۱۰: نمونه‌هایی از فعل «بکردن» در ترکیب

Table 10: Instances of verb “bekardan” (to do) in compounding

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
فراموش کردن	یاد بکردن	۱
بالا آمدن	پنج بکردن	۲
شوهر کردن	شی بکردن	۳
بچه زاییدن	وچه بکردن	۴

درواقع، در تمامی نمونه‌های ذکرشده از مشتقات فعل «هکردن» (کردن) این نوع ساخت، همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهند، در میان داده‌ها بر اساس آمار فعل‌های ترکیبی از نظر ساختی یکی از زایاترین ساخت را در افعال مرکب در زبان مازندرانی تشکیل می‌دهد و در بیشتر جملات مرکب مفهوم سببی در آن نهفته است. دبیرمقدم^{۱۱} (91: 1982) این ساخت‌های سببی را سببی ریشه‌ای می‌نامد و در تعریف این نوع سببی می‌نویسد:

«این نوع از ساخت‌های سببی به فعل‌هایی اطلاق می‌گردد که از نظر معنایی سببی است؛ اما فاقد تکواژ قابل تفکیک است که منطبق با معنای سببی آن باشد».

مثال:

Bəhar dəft̩ re qəfæŋg hækerde. ۱۱. بهار دشت را زیبا کرد.

نمونه‌هایی از فضای معنایی فعل مرکب با فعل (هدائن) (دادن) که در ترکیب با پیش‌فعل اشکال معنایی مختلفی را به‌وجود می‌آورند و دسته‌بندی فضای معنایی هر یک از این گروه بر اساس پیش‌فعلی است که با آن ترکیب می‌شوند که سبب می‌شوند از نظر معنایی و ویژگی عناصر معنایی از دیگر گروه‌ها متمایز شوند.

جدول ۱۱: نمونه‌هایی از فعل مرکب «هدائن» که در ترکیب با اسم فضای معنایی تغییر حالت و تأثیر را ترسیم می‌کند.

Table 11: Instances of compound verb “hedaan” (to give) which draw semantic space of change of state and effect when compounding with noun

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
سرخ کردن	پره هدائن	۱
نیم‌سوز کردن	بَل هدائن	۲
پیچاندن	پِچ هدائن	۳
بخار دادن	بخار هدائن	۴
تراش دادن	تراش هدائن	۵

در مثال‌های شماره ۱ و ۲ ترکیب‌های «پره هدائن» و «بَل هدائن»، در مقایسه با معادل آن‌ها در زبان فارسی هم در اسم و هم در فعل متفاوت هستند؛ ولی هر دو با ترکیب اسم و فعل سبک نشان داده شد. در مثال شماره ۳، پیچ هدائن از ترکیب استفاده شد، در حالی که در فارسی (پیچاندن) یک واژه واحد است که معادل فعل مرکب در زبان فارسی است که فضای ذهنی متفاوتی را شامل می‌شوند.

تفاوت در این ترکیبات اسم و فعل نشان می‌دهد که هر یک از واژه‌ها با عناصر معنایی که دارد فعل خاصی را انتخاب می‌کند و بر اساس تصویری که ذهن آن عمل را ترسیم می‌کند.

جدول ۱۲: نمونه‌هایی از فعل مرکب با فعل سبک «هدائن» که در ترکیب با اسم فضای معنایی انتقال نیرو و

حرکت و جابه‌جایی اشیا را ترسیم می‌کند:

Table 12: Instances of compound verb accompanying light verb “hedaan” (to give) which draw semantic space of transmission of force and movement of things when compounding with noun

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
آب دادن	او هدائن	۱
تازیدن	تاخت هدائن	۲
تاب دادن	تو هدائن	۳
تکیه دادن	تِک هدائن	۴
تکان دادن	تَکَم هدائن	۵
پاره کرد	جر هدائن	۶

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
فشار دادن	جِغ هدائن	۷
پاره کردن	چاک هدائن	۸
چرخاندن	چرخ هدائن	۹
خیساندن - خیس دادن	خیس هدائن	۱۰

جدول ۱۳: نمونه‌هایی از فعل مرکب با فعل سبک «هدائن» که فضای معنایی برای مفاهیم انتزاعی را به تصویر می‌کشد.

Table 13: Instances of compound verb accompanying light verb “hedaan” (to give) which represent semantic space for abstract concepts

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
آموزش دادن	یاد هدائن	۱
اعتراف کردن	بروز هدائن	۲
جواب مثبت دادن	بله هدائن	۳
پذیرفتن	تن هدائن	۴
جان دادن	جان هدائن	۵
خط دادن	خط هدائن	۶
با دقت گوش دادن	دل هدائن	۷
گوش دادن - شنیدن	گوش هدائن	۸

در تمامی افعال مرکب که با ترکیب اسم آمده است، بر اساس مفاهیم ذهنی شکل گرفت؛ یعنی مفاهیمی که برگرفته از تجربیات فیزیکی و اجتماعی هست، با کلمات تصویرسازی شده است تا مفهوم ذهنی غیرملموس را برای انتقال آن به شنونده ترسیم کند تا به آسانی قابل فهم و درک باشد.

جدول ۱۴: نمونه‌هایی از فضای معنایی فعل مرکب با فعل سبک «بزوئن» (زدن) در زبان مازندرانی برای انتقال مفاهیم مربوط به اعمال فیزیکی که سبب وارد کردن نیروی آنی و ناگهانی هستند.

Table 14: Instances of semantic spaces of compound verb accompanying light verb “bezuan” (to hit) in Mazandarani language for transmitting concepts related to physical actions which cause to impart immediate and suddenly force

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
بال زدن	بال بزوئن	۱

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
لگد زدن	لو بزوئن	۲
پرش زدن	پرش بزوئن	۳
تکان خوردن	پت بزوئن	۴
پلک زدن	پرک بزوئن	۵
سیلی زدن	چک بزوئن	۶
گام برداشتن	شاب بزوئن	۷

جدول ۱۵: نمونه‌هایی از فضای معنایی فعل مرکب با فعل سبک «بزوئن» (زدن) برای انتقال مفاهیم که مربوط به ترکیب کردن مواد یا اضافه کردن آن استفاده می‌شود.

Table 15: Instances of semantic space of compound verb “bezuan” (to hit) for transmission of concepts related to compounding or adding materials

معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
نمک زدن	نمک بزوئن	۱
بورانی درست کردن	آلد بزوئن	۲
به هم زدن و ترکیب کردن	لد بزوئن	۳

جدول ۱۶: نمونه‌ای از فضای معنایی فعل مرکب با فعل سبک «بزوئن» (زدن)، برای مفاهیمی که به تغییر حالت ظاهری و فیزیکی منجر می‌شود.^{۱۲}

Table 16: Instances of semantic space of compound verb “bezuan” (to hit) representing concepts leading to changing appearance and physical condition

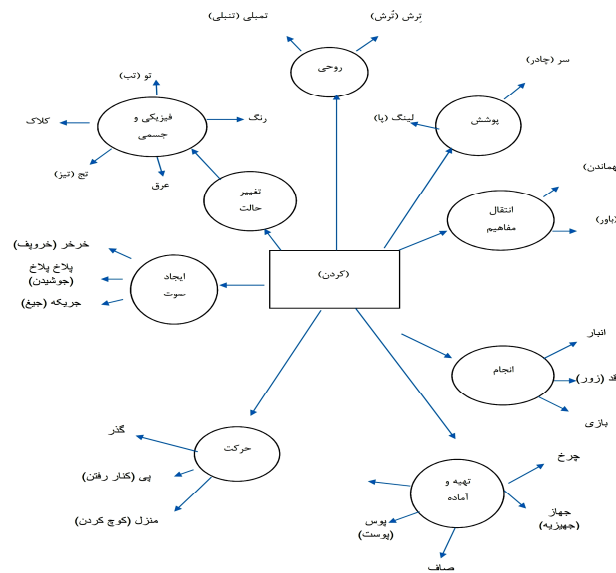
معنی فارسی	مازندرانی	ردیف
رنگ زدن	رنگ بزوئن	۱
زنگ زدن	زنگ بزوئن	۲
جوانه زدن	رُخ بزوئن	۳
رشد کردن درخت	وشت بزوئن	۴
تاول زدن	پله بزوئن	۵
ابله زدن (گرفتن)	آله بزوئن	۶

جدول ۱۷: نمونه‌هایی از فضای معنایی فعل مرکب با فعل سبک «بزوئن» (زدن) که مفاهیم انتزاعی و غیرملموس را با استفاده از تجربیات فیزیکی و ملموس ترسیم و تصویرسازی می‌کند.

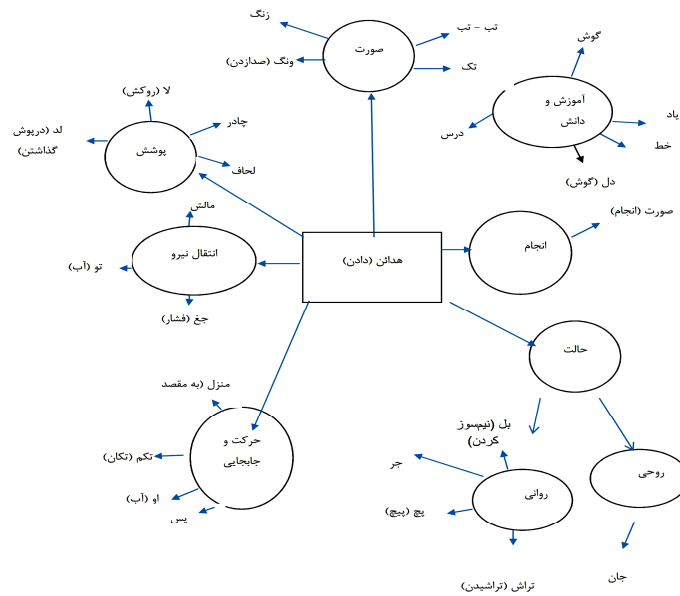
Table 17: Instances of semantic space of compound verb “bezuan” (to hit) which represent abstract concepts through concrete and physical experiences

ردیف	مازندرانی	معنی فارسی
۱	کله بزوئن	سرولکه زدن
۲	خنده بزوئن	مسخره کردن
۳	بنوم بزوئن	تهمت زدن
۴	چار بزوئن	چار زدن
۵	چش بزوئن	منتظر ماندن

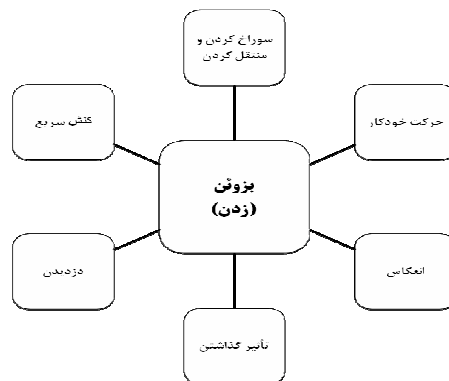
۵-۶. نمونه‌هایی از جزایر افعال سبک در گویش مازندرانی متشکل از فضای معنایی مختلف بر اساس ترکیب با نوع پیش فعل



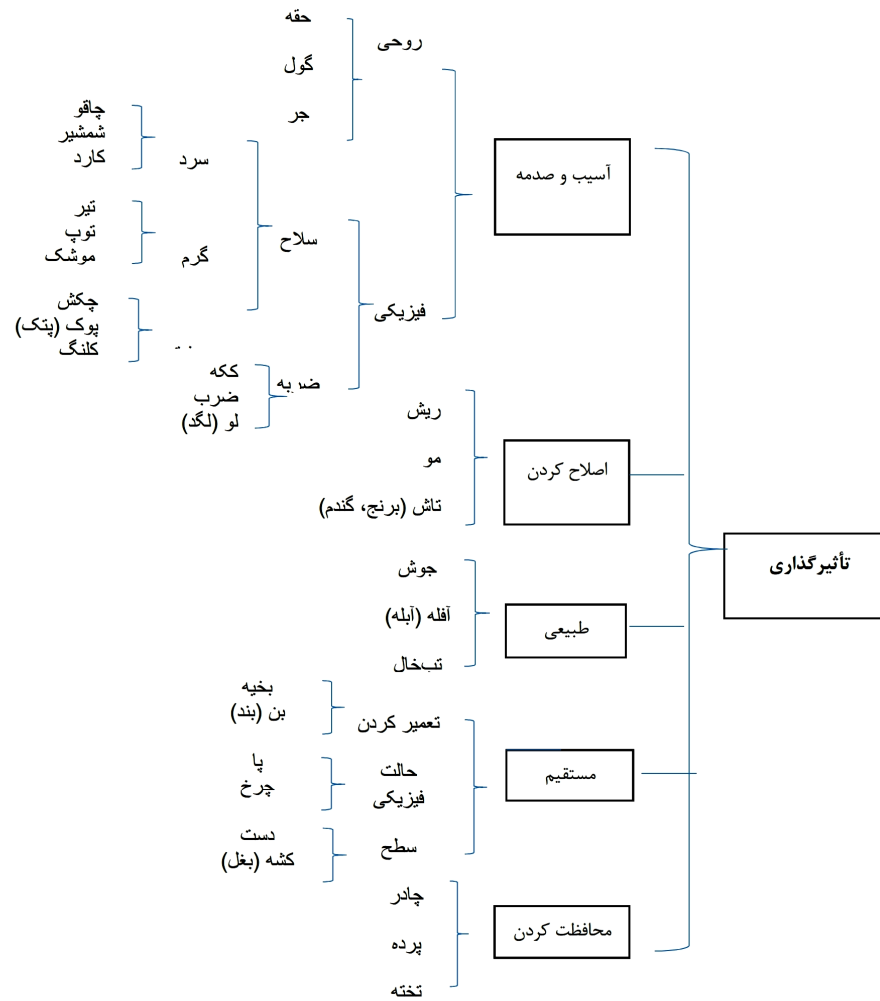
شکل ۱: فضای معنایی افعال مرکب مازندرانی با فعل سبک «هکردن»
Figure 1: Semantic space of Mazandarani compound verbs accompanying light verb “hakardan” (to do)



شکل ۲: فضای معنایی افعال مرکب مازندرانی با فعل سبک هدائن
 Figure 2: Semantic space of Mazandarani compound verbs accompanying light verb "hedaan" (to give)

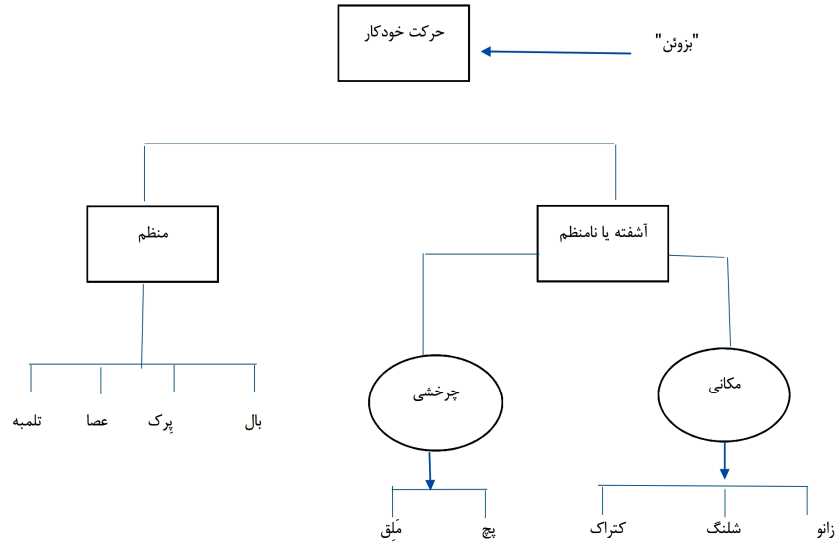


شکل ۳: فضای معنایی کلی افعال مرکب مازندرانی با فعل سبک «بزوتن» (زدن)
 Figure 3: general semantic space of Mazandarani compound verbs accompanying light verb "bezuan" (to hit)



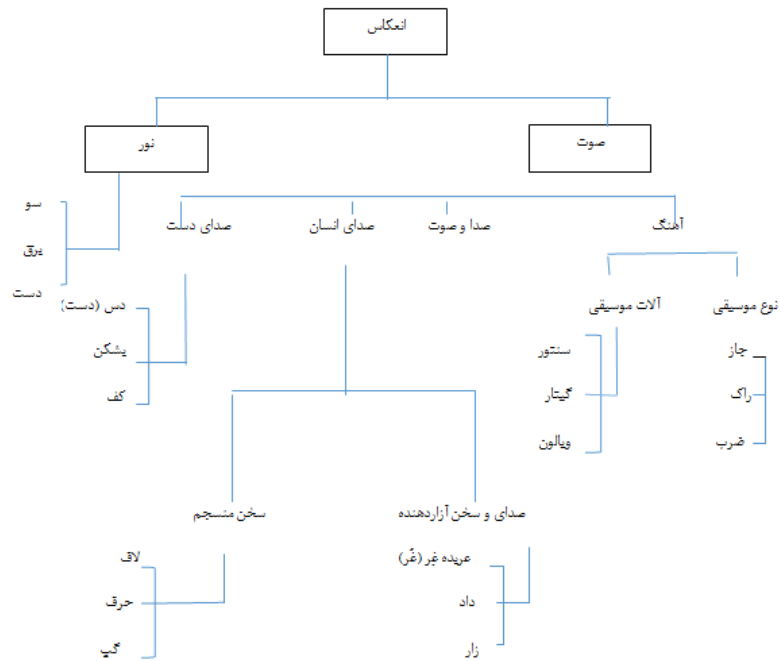
شکل ۴: فعل بزوان با فضای معنایی تأثیرگذاری

Figure 4: Verb “bezuan” (to hit) with semantic space of influence

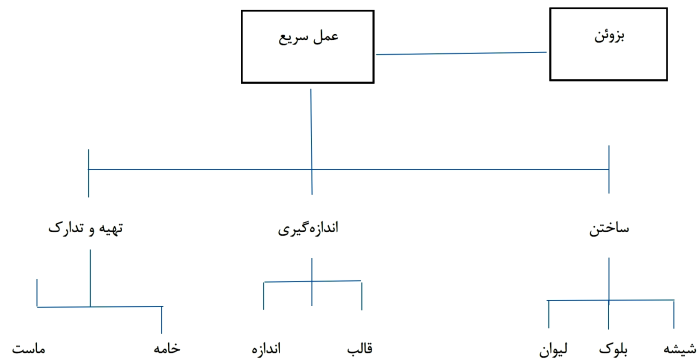


شکل ۵: فعل «بزوئن» (زدن) برای حرکت خودکار

Figure 5: Verb “bezuān” (to hit) for automatic movement

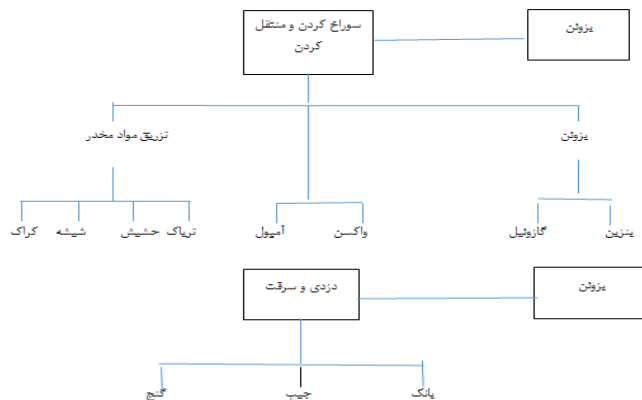


شکل ۶: فعل بزوان با فضای معنایی انعکاس صورت و نور
Figure 6: Verb “bezuan” (to hit) with semantic space of reflecting sound and light



شکل ۷: فضای معنایی فعل «بزوئن» زدن برای مفاهیمی «عمل سریع»

Figure 7: Semantic space of verb “bezuan” (to hit) for concept of fast condition



شکل ۸: فضای معنایی فعل «بزوئن» (زدن) برای مفاهیمی مانند «سوراخ کردن» و «منتقل کردن» و «سرقت»

Figure 8: Semantic space of verb “bezuan” (to hit) for concepts such as piercing, transmitting and robbing

۶. نتیجه

در تحلیلی که از افعال مرکب مازندرانی به عمل آمده است، در این زبان، هم فرایند ترکیب و هم انضمام در شکل‌گیری افعال مرکب دخیل هستند. برای نمونه، مشاهده شده است که پس از انضمام فعل، هویت واژگانی و شفافیت معنایی خود را حفظ می‌کند و افعال مرکبی که پس از انضمام شکل می‌گیرند، جمله‌ای که از آن حاصل می‌شود، لازم است. در ترکیب اگر جزء فعلی صفت یا اسم مفعول باشد، در آن صورت فعل مرکب به صورت فعل کمکی نقش ایفا می‌کند و معنی این ترکیب نیز شفاف است. در افعال مرکب ترکیبی در زبان مازندرانی نیز همچون فارسی، زمانی که جزء غیرفعلی اسم است، عنصر فعلی صورت واژی‌شده فعل ساده است و معنی این افعال مرکب شاید شفاف نباشد. در این افعال در ترکیب مشاهده شد که بعضی از افعال هنگامی که به‌تنهایی به‌کار برده می‌شود، متعدی‌اند؛ ولی در ترکیب می‌توانند لازم یا متعدی باشند. در بعضی از افعال مانند «هدائن» (دادن)، بیشتر آن‌ها و تعدادی لازم‌اند و در گروه حرف‌اضافه‌ای و گروه قیدی، لازم و متعدی بودن فعل مرکب بستگی به لازم و متعدی بودن فعل ساده‌ای دارد که در تشکیل فعل مرکب به‌کار رفته است و قابلیت پیش‌بینی نیز دارد.

در زبان مازندرانی نیز همچون فارسی در برابر صورت انضمامی، صورت متناظر غیر-انضمامی وجود دارد که از نظر نقش تئایی هم‌معنا هستند. درمقابل، در افعال ترکیبی مازندرانی صورت متناظر ترکیبی وجود ندارد. افعال مرکبی که در زبان مازندرانی از طریق انضمام ساخته می‌شوند، همانند فارسی لازم هستند و افعال مرکب ترکیبی بسته به پیش‌فعلی که دارد می‌تواند لازم یا متعدی باشد.

نگارندگان با داده‌هایی که از پیکره متنی از گویشوران و همچنین، فرهنگ لغات مازندرانی (۱۳۸۱) در دست داشتند، به این نتیجه رسیدند که افعال مرکبی مازندرانی حاصل از انضمام زایا هستند و در مقایسه با افعال ترکیبی همچون فارسی افعال مرکب ترکیبی در مازندرانی دارای زایایی کمتری هستند؛ ولی در آن‌ها بسط استعاری دیده می‌شود و معنا ترکیبی است و همچنین، افعال مرکب ترکیبی نسبت به افعال مرکب انضمامی دارای بسامد بیشتری است. در مبحث افعال سبک مازندرانی، افعال سبک که با محمول مرکب همراه می‌شوند به‌شکل نظام‌مند با همتای سنگین خود در حفظ ویژگی‌های نیروی محرکه که در افعال سنگین وجود دارد، در تناظر با افعال سبک ارتباط معنایی دارند؛ ولی مفهوم و معنای آن از ساخت فیزیکی و تجربی به ساخت روانی و

انتزاعی تغییر پیدا کرده است. به علاوه، ساخت موضوعی گروه در ساخت افعال سبک با ساخت موضوعی محمول اسمی در کنار گروه فعلی تعیین می‌شود. جزایر معنایی در زبان مازندرانی همچون زبان فارسی وجود دارند که مفاهیم فعلی مشابهی را بیان می‌کنند که بر اساس فعل سبک، یکسان و نوع ویژه‌ای از پیش‌فعل شکل می‌گیرند و از نظر ترکیب‌پذیری افعال سبک در مازندرانی می‌شود گفت که بیشتر معنا غیر ترکیبی است. در بحث فضای معنایی می‌شود گفت در افعال مازندرانی با تقسیم افعال مرکب به جزایری معنایی گوناگون در هر یک از پیش‌فعل‌ها با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های معنایی ویژه خود فعل با فعل سبکی که همراه می‌شوند، فضای معنایی را تشکیل می‌دهند که از نظر معنایی مرتبط هستند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. productivity
2. light verb
3. Jespersen
4. Grim shaw
5. Mesrer
6. Cattell
7. Goldberg
8. Brugman
9. morphosyntactic
10. Cruse
11. DabirMoghaddam
12. Pustejovsky
13. dynamic

۸. منابع

- شریفی، شهلا (۱۳۹۰). «بررسی معنایی افعال مرکب اندام‌بنیاد از دیدگاه شناختی». *ششمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی*. به کوشش قدسیه رضوانیان و احمد غنی‌پور ملک‌شاه. مازندران: دانشگاه مازندران.
- عموزاده، محمد و فاطمه بهرامی (۱۳۹۱). «ساخت افعال سبک بر اساس شناختی». *زبان و ادبیات تطبیقی*. د ۳. ش ۴ (پیاپی ۱۲). صص ۱۶۹ - ۱۹۱.

- عموزاده، محمد و بابک شریف (۱۳۹۶). «تشکیل افعال مرکب فارسی از منظر دستور-شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۸. ش ۲ (۳۷). صص ۱۴۹ - ۱۷۰.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و زهرا روحی‌بیگی (۱۳۹۵). «بررسی چندمعنایی فعل سبک "زدن" از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۷. ش ۳ (پیاپی ۳۱). صص ۱۲۹ - ۱۴۸.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و همکاران (۱۳۹۰). «مجهول‌سازی افعال مرکب فارسی از منظر معنایی و نظریه معنانشناسی مفهومی». *جستارهای زبانی*. د ۲. ش ۲. صص ۱ - ۱۷.
- نصر اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۱). *فرهنگ واژگان طبری*. احیای کتاب. تهران.

References:

- Amouzadeh, M. & Sharif, B. (2017). "Formation of Persian compound verbs based on cognitive linguistics". *Journal of Linguistic Researches*, Vol. 8. No. 2 (Tome 37). Pp: 149-170.[In Persian].
- Amouzadeh, M. & Bahrami, F. (2012). "Light verb construction based on cognitive linguistics". *Journal of Language and Comparative Literature Researches*. Vol. 3. No. 4 (Tome 12). Pp: 169-191.[In Persian].
- Borjian, M. (2005). "Bilingualism in Mazandaran: peaceful coexistence with Persian". *Languages, Communities, and Education*. Pp: 65-73.
- Brugman, C. (2001). "Light verbs and polysemy". *Language sciences* 22. Pp: 551-578.
- Cattell, R. (1984). *Syntax and Semantics: Composite Predicates in English*. London: Academic Press.
- Cruse, D.A. (1986). *Lexical Semantics*. Cambridge University Press, Cambridge.
- DabirMoghaddam, M. (1982). *Syntax and Semantics of Causative Constructions in Persian*. Ph. D Dissertation. University of Illinois.
- Family, N. (2006). *Exploration of Semantic space: the Case of Light Verb Constructions in Persian*. Ph.D dissertation in Paris:EHSS.
- Goldberg, A.(1995). *Construction; A Construction Grammar Approach to Argument*

Structure. Chicago, IL: Chicago University Press.

- Grimshaw, J. & Mester A. (1988). "Light verbs and theta-marking". *Linguistic Inquiry*. 19.Pp: 205–232.
- Jespersen, O. (1965). *A Modern English Grammar on Historical Principle*. London: George & Unwin.
- Karimi-Doostan, GH. & Roohi Baygi, Z. (2016). "A cognitive study of light verb poleysemy: The case of ZADAN." *Journal of Linguistic Researches*. Vol. 7. No. 3 (Tome 31). Pp: 129-148.[In Persian].
- Kord Zafaranlu Kambuziya, A. et. Al. (2011). "Passivazation of Persian compound verbs based on semantics and conceptual semantics theory". *Journal of Linguistic Researches*. Vol. 2. No. 2. Pp: 1-17. [In Persian].
- Nasr Ashrafi, J. (2002). *Tabari Dictionary*. Book Rivival. Tehran. [In Persian].
- Pustejovsky, J. (1995). *The Generative Lexicon*. MIT Press, Cambridge, MA.
- Sharifi, Sh. (2011). "A semantic study of body-based compound verbs based on cognitive view". 6th International Conference of Iranian Society for the Promotion of Persian Language and Literature, collected by Dr. Ghodsieh Rezvanian and Dr. Ahmad Ghanipoor Malekshah, Mazandaran University. [In Persian].